



پتروشیمی آپادانا
خلیج فارس



به نظر من، شرکت‌های ایران و عربستان می‌توانند در عین حفظ رقابت، حداقل سطحی از همکاری و هماهنگی را در بازارها ایجاد کنند تا از نوسانات مخرب جلوگیری و ثبات نسبی بازار حفظ شود. تجربه جهانی نشان می‌دهد که در هر صنعت و در هر بازار، بازیگران بزرگ معمولاً از چنین سازوکارهای همکاری برای کاهش ریسک و افزایش بهره‌وری استفاده می‌کنند. در این صنعت خاص، با توجه به جایگاه ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر بزرگ و تأثیرگذار، امکان وجود همکاری‌های هدفمند و استراتژیک برای تأمین حداکثری منافع متقابل دو کشور به‌روشنی وجود دارد.

■ آیا شرایط کنونی می‌تواند زمینه شکل‌گیری اتحاد یا همکاری مبتنی بر منافع مشترک میان ایران و عربستان را فراهم کند؛ همکاری‌ای که هدف آن نه صرفاً رقابت سنتی، هم‌افزایی در مدیریت فشارهای تحریمی، تقویت موقعیت استراتژیک در بازارهای جهانی، تبادل فناوری و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی و صادراتی باشد؟ یعنی می‌خواهم بدانم چگونه محدودیت‌های بین‌المللی ممکن است به محرکی برای بازتعریف رقابت تاریخی و ایجاد فرصت‌های همکاری هوشمندانه میان دو رقیب سنتی در صنعت انرژی و پتروشیمی تبدیل شوند؟

به نظر می‌رسد پاسخ قطعی به این پرسش در شرایط فعلی دشوار و چندان قابل اتکا نباشد، اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ظرفیت و پتانسیل لازم برای شکل‌گیری شبکه‌های همکاری و هماهنگی میان دو طرف و نیز مدیریت مؤثر بازارهای صادراتی به هر حال وجود دارد. امید آن می‌رود که در آینده نزدیک، شرایط برای بهبود و تثبیت این وضعیت فراهم شود. نکته کلیدی این است که باید فرآیند آغاز گام‌های مقدماتی و اساسی برای دستیابی به اهداف مدنظر را به تأخیر نیندازیم. این گام‌ها باید جامع، همه‌جانبه و با کیفیت باشند تا بتوانند تأثیر واقعی بر همکاری‌های دوجانبه بگذارند. توقف یا بی‌عملی هیچ نتیجه مثبتی در پی نخواهد داشت و با کنار گذاشتن کلیشه‌های ذهنی و محدودیت‌های سنتی، می‌توان برنامه‌های نوآورانه و سازنده‌ای طراحی کرد که به همکاری متقابل و سودمند برای هر دو طرف منجر شود. ▮

برای حفظ مزیت نسبی خود تخفیفاتی را برای مشتریان در نظر بگیرند که مطلوب نیست. تردیدی نداریم که این صنعت در شرایط غیرتحریمی رشد جهشی خواهد داشت.

■ چگونه تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های مرتبط با سیاست‌های اقتصادی و امنیتی، ساختار و شدت رقابت میان ایران و عربستان در صنعت پتروشیمی را شکل داده و چه پیامدهایی بر جایگاه هریک از این کشورها در بازارهای منطقه‌ای و جهانی داشته است؟

این سؤال شما ابتدا مرا وامی‌دارد که تولیدکنندگان و تجار ایرانی را تحسین کنم که در این شرایط بسیار سخت تحریمی، همچنان صنعت پتروشیمی کشور را به‌عنوان یکی از صنایع مهم و پیشانی صادراتی ایران فعال و در حال پیشرفت نگه داشته‌اند. به‌صورت خاص اگر تحریم‌های آزادکننده به این شکل وجود نداشتند، این صنعت خیلی بیشتر و بهتر می‌توانست سهم مهمی از بازارهای صادراتی جهان را به خود اختصاص دهد. من در حوزه بازار برزیل برای مثال شاهد فعالیت‌های گسترده سایبک به‌عنوان یکی از شرکت‌های اصلی پتروشیمی عربستان و نیز شرکت‌های ایرانی بوده‌ام. ما هم تلاش کرده‌ایم تا حضور صنعت پتروشیمی را در این بازار بزرگ آمریکای لاتین تشویق کنیم. از جمله با برنامه‌ریزی همایشی گسترده با حضور مدیران هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در اردیبهشت ۱۴۰۱ و در مرکز تجارت جهانی شهر سان پائولو، تلاش شد چنین حضوری نهادینه شود. در شرایط غیرتحریمی، مجموعه پتروشیمی کشور و هلدینگ‌های بزرگ به مراتب آسان‌تر و با آزادی بیشتری می‌توانستند حضور رسمی و گسترده‌ای در بازار برزیل و سایر کشورهای آمریکای لاتین داشته باشند و فعالیت‌های خود را توسعه دهند. بدون تردید، در چنین وضعیتی منافع ملی کشور نیز با بهره‌وری و تأثیرگذاری بیشتری تأمین می‌شد. با این حال، نباید فراموش کرد که تلاش‌ها و اقدامات موجود در همین شرایط محدود و تحریمی نیز متوقف نشده‌اند و فعالان صنعت پتروشیمی همچنان در مسیر توسعه و حضور منطقه‌ای و بین‌المللی حرکت می‌کنند.

در صنعت
پتروشیمی، با
توجه به جایگاه
ایران و عربستان
به‌عنوان دو
بازیگر بزرگ
و تأثیرگذار،
امکان وجود
همکاری‌های
هدفمند و
استراتژیک برای
تأمین حداکثری
منافع متقابل دو
کشور به‌روشنی
وجود دارد

ایران